
دانشگاه
عاشورا و ظهور


بسم الله الرحمن الرحیم

دانشگاه عاشورا و ظهور

نویسنده:

سید محمود بحرالعلوم میردامادی

ناشر چاپی:

بهار قلوب

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

دانشگاه عاشورا و ظهور

مشخصات کتاب

سرشناسه: میردامادی ، بحرالعلوم ، ۱۳۰۵-۱۳۶۹. عنوان و نام پدیدآور: دانشگاه عاشورا و ظهور/محمود بحرالعلوم میردامادی. مشخصات نشر: اصفهان: بهارقلوب، ۱۳۸۵. وابسته به مرکز جهانی تخصّصی حضرت ولیّ‌عصر (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) چاپ اوّل / چاپخانه امیران شمارگان / ۵۰۰۰ نسخه دهه‌ی فرخنده‌ی مهدویّه ۱۴۲۷ ه.ق مشخصات ظاهری: ۵۶ص.؛ ۱۶×۱۲س‌م. شابک: ۳۰۰۰ ریال ۹۶۴-۹۹۶۷-۰۳-۶ وضعیت فهرست نویسی: فهرستنویسی توصیفی شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۵۲۴۰۱ تهیه و تنظیم: مرکز جهانی تخصّصی حضرت ولی عصر (عج) اصفهان خیابان چهارباغ پایین صندوق پستی ۱۵۴ ۸۱۳۹۵ تلفن: ۶ ۲۲۰۴۰۴۵ فاکس: ۲۲۳۷۳۵۰ شابک/ ۶ ۰۳ ۹۹۶۷ ۹۶۴ تلفن پخش: ۶ ۲۲۰۴۰۴۵ ۰۳۱۱ فاکس: ۲۲۳۷۳۵۰ www.imamalmahdi.com

تقدیم

این کتاب سفرنامه‌ی کوچکی است که برای مسافران معنوی کربلا و منتظران مولا تألیف شده است. ثواب این نوشته، اولاً به روح مطهّر امام هشتم حضرت اباالحسن الرضا علیه السلام و ثانیاً به صابره‌ی راه خداوند متعال زینب کبری سلام الله علیها تقدیم می‌گردد. بسم اللّه الرحمن الرحیم السَّلَامُ عَلَی الْحُسَیْنِ وَ عَلَی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ وَ عَلَی أَوْلَادِ الْحُسَیْنِ وَ عَلَی أَصْحَابِ الْحُسَیْنِ و لعنهٔ اللّه علی اعدائهم این نوشته را در یک سفر تبلیغی در محرم الحرام ۱۴۲۶ ه.ق فراهم نموده‌ام. اگر چه ظرف زمانی این نوشته، تاریخ مذکور است ولی گاه به روز «اَلَست» و «عالم ذر» برگشته و گاه از روز اول خلقتِ انسان و سخن ملائکه و پاسخ خداوند متعال، سخن گفته‌ام، گاهی به وقایع عاشورا ۶۱ ه.ق اشاره داشته و گاه از ضربه زدنهای منافقین به دانشگاه عاشورا در این زمان یاد کرده‌ام. معمولاً ـ در سفر، کتابی که برای نوشتن، مأخذ باشد وجود ندارد امّا کتاب فطرت، قلب و دل انسان، انسان را - اگر فاقد انسانیت نباشد - به لبیک گفتن برابر حق وادار می‌کند و دروس قرآنی، حدیثی و تاریخی را متذکر می‌گردد. به هر حال آنچه می‌بینید از دل برخاسته و با سوز نوشته شده و مقصدی جز سوز دادن به دل‌ها و سرعت بخشیدن به حرکت رهروان دانشگاه عاشورا و منتظران ظهور مولا ندارد. و سلام بر آنکه عاشورا را دانشگاه می‌داند و منتظر ظهور مولا است. قم مرکز جهانی تخصصی حضرت ولی عصر (عج) سید محمود بحرالعلوم میردامادی اینجا امسال تاسوعا با جمعه مطابق شده است، تاسوعا روز نهایت مظلومیت اهل البیت علیهم‌السلام در کربلا و جمعه روز قرارداد بشر و تعهد انسان است در «اَلَست» که با آن بزرگواران وفادار بماند. تاسوعا روزِ نامه آوردن شمر برای عمرسعد و جمعه، روز امضا کردن نامه‌ی وجود، که هستی خود را فدای یار کند. «تاسوعا» ضد «جمعه» گردید، ظلمت مقابل نور. مگر «إذا نُودِیَ لِلصَّلاهْ مِنْ یَوْمِ الْجُمُعَهْ » ۱ را نخوانده‌ایم؟ «فَاسْعَوْا إلی ذِکْرِ اللَّهِ » را یاد نداریم، مگر پیامبر، مذکِّر نیست، یادآور، یادآورِ روزی که جمع خلق به خدایی خداوند متعال و رهبری اولیاء «بله» گفتند! بشر، قبل از این در زبانش «بلی» داشت، چه شد، در تاسوعا بلاـآفرین برای امام مؤمنین گردید. «وَ اذْکُرُوا اللَّهَ کَثِیراً لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ » ۲ را نگاه کنید؛ «نِعَم» چیست؟ «آلاء» کدام است؟ کدام نعمت بالاتر از چراغی که خداوند متعال «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَی الْمُؤْمِنینَ إذْ بَعَثَ فیهِمْ رَسُولاً» ... ۳ را برای آن به کار برده است؟ نعمتِ «مِصباحُ الهُدی وَ سَفینَهُْ‌النَّجاهْ» را خداوند اوّل بار به رُخ ملائکه کشید... «إنِّی اَعلَمُ مَالا تَعْلَمُونَ» ۴ این روز را می‌فرمود، روز تاسوعا و عاشورا، که اوج عبودیّت و نهایت بندگی انسان، فوق فوق و خیلی بالاتر از بندگی و تسبیح ملائکه، جلوه‌گر شده است. انسان، مثلاًـ عباس بن علی علیهماالسلام، که ابوالفضائل است، پدر برتریها، برای باطل عبوس است. شمشیرش شعار «جاءَ الحقُّ وَ زَهَقَ الباطِل» می‌دهد، بازوانش «قاتِلوا اَئِمَّهَ الکُفر» را اجراء می‌کند، چشمانش «فَتَبارَکَ اللّهُ اَحْسَنُ الخالِقین» را یاد می‌آورد، پیشانیش «مِنْ اَثَرِ السُّجود» را معنی می‌نماید، لبانش به امر «سَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ الاَعْلی» توجه دارد، سیمایش

سیمای صدیقین و کلامش کلام ابرار است، صورتش، صورت علی علیه‌السلام را در جنگ اُحد و خندق و خیبر به یاد می‌آورد، سیرتش سیرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را به نمایش می‌گذارد... «إنِّی اَعلَمُ مَالا تَعْلَمُونَ» ، نمی‌بینید ابوالفضائل را؟! نمی‌دانید مقام او را؟ همه‌ی شهدا بر او رشک می‌برند، شما فساد سقیفه و سفک دماء مدینه را می‌بینید و به ریسمان ستم و طناب‌دار که برای یار و میثم تمار آماده می‌کنند نگاه می‌کنید!. شما به درب سوخته، و چهره‌های از شرارت برافروخته، تازیانه مُغِیرَهٔ و اربابانش نظر دارید. شما آب بستن معاویه و یزید و ستم ستمگران عنید صِفِّین و کربلا را می‌بینید اما بر روح بالا و بلند اولیاء من و بر روحیه‌ی استوار و با استقامت و مقربان من اشراف ندارید... «إنِّی اَعلَمُ مَالا تَعْلَمُونَ» علی علیه‌السلام نفسِ رسول صلی الله علیه و آله و سلم و زوجِ بتول علیهاالسلام، را کجا می‌توانید بشناسید آنچنان که هست. مدینه را بدون فاطمه بررسی می‌کنید «أ تَجْعَلُ» می‌گوئید؟ نمی‌دانید گل بی‌خار، گل یاس معطر نورانی زهرهٔ الزهراء علیهاالسلام چه مقامی دارد؟ در مورد کربلا بدون امام و دور از ابوفضائل قضاوت می‌کنید!! تاسوعا دو تابلو دارد، تابلوی موافقت با «جمعه، روز اَلَست» ، تابلوی مخالفت با «جمعه» ، همان که شما می‌گویید. صدای العطش العطش شما را آزار می‌دهد، شما طاقت ندارید طفلان خردسال بیت رسالت را تشنه ببینید؛ ولی چه خبر دارید از ساقی، که با روحیه‌ی بلند و بالا ـ به طرف آب می‌رود، می‌خواهد آب بیاورد ولی دستانش را قطع می‌کنند و این فداکاری در تاریخ انسانیّت می‌ماند. یا مَلائِکَتی...! «إنِّی اَعلَمُ مَا لا تَعْلَمُونَ» می‌دانم نمازگزار کیست، شما فقط فساد گویندگان «قَالُوا لَم نَکُ مِنَ المُصَلِّینَ» ۵ را می‌بینید؛ آنها که همراه آل محمد علیهم‌السلام حرکت نمی‌کنند، از مصلّین نیستند نمازگزار واقعی را ببینید، عباس علیه‌السلام، آثار سجده بر پیشانیش آشکار می‌گردد و در اثر پیروی از امام زمانش نمازگزار واقعی به حساب می‌آید. فلاح واقعی برای انسآنها است، همانان که «الَّذینَ یُؤمِنُونَ بِالْغَیبِ وَ یُقِیمونَّ الصَّلاهََ» ... ۶ اقامه‌ی «صلوهْ» را می‌دانید چیست؟ تطبیق ظاهر و باطن. شما سؤال می‌کنید که چرا فساد؟ چرا خونریزی؟ اینکار، کار آنهایی است که نماز را اقامه نمی‌کنند ممکن است نماز بخوانند، ولی ظاهر نمازشان و الفاظ صلاتشان با باطن و قلبشان دوئیت دارد. «إیَّاکَ نَعْبُدُ» می‌گویند، «فقط تو را می‌پرستیم»! ولی حکومت و ملک رِی را در سر می‌پرورانند. «إیَّاکَ نَعْبُد» می‌گویند امّا برای درهم و دینار دنیا فساد می‌کنند و خونریزی به راه می‌اندازند. ولی شما به اقامه کنندگان نماز نگاه کنید، به ابوالفضل علیه‌السلام، به کربلاییان. «إیَّاکَ نَعْبُدُ» می‌گویند و راست می‌گویند. امان‌نامه‌ی دشمن را رد می‌کند چرا که «إیَّاکَ نَعْبُدُ» را از قلب و جان می‌خواند، حتی آب را رد می‌کند. به دریا پا نهاد و خشک لب بیرون شد از دریا فتوّت بین، جوانمردی نگر غیرت تماشا کن آب را نمی‌چشد، وجودش برای امام حسین علیه‌السلام آب می‌شود، خود آب می‌شود ... «و أَنزَلنا مِنَ السَّمآءِ مَآءً طَهُورا لِّنُحییَ بِهِ بَلْدَهً مَّیْتًا وَ» ... ۷ هم پاک و پاکیزه است و هم قلوب مردم و اندیشه‌ی حق‌جویان را سیراب می‌کند و به انسآنها تعلیم جوانمردی و ایثار می‌دهد «مَالا ـ تَعْلَمُون» ملائکه چه می‌دانید؟ مگر بنا ندارم افراد استوار در طریقت اهل البیت علیهم‌السلام را ماء غَدَق بنوشانم؟ چرا فقط تابلوی ظلمت، تابلوی ضد جمعه و ضد جوانمردی را نگریسته، از تابلوی نور بی‌خبرید؟ تابلوی اسماء را بنگرید؛ حتی به آدم هم می‌گویم «اُنْظُرْ اِلی ساقِ عَرْشی» اسماء پیامبر و اهل‌بیتش! «لَو لا ـ هُمْ لَما خَلَقْتُکَ». گر نبودی میل و امید ثمر کی نشاندی باغبان بیخ شجر بحث اساتید جداست. بحث شاگردان این مکتب است، ابوالفضل علیه‌السلام را نگاه کنید...

«شعر»: [به یاد کربلا امشب نمایم من سخنرانی]

به یاد کربلا امشب نمایم من سخنرانی به عشق ساقی طفلان کند طبعم غزل‌خوانی سپه‌سالار اهل جِد، شجاعت را همی واجد برای رب بسی ساجد گرامی پور عمرانی بوَد مُجریِّ «قَدْ قامَت» ز قید نفس دون راحت برای ظالمین آفت، شهید راه یزدانی وجیه پیشگاه دین، دعایش را بسی آمین توسّل بر رهش تمکین، شفیع باب رحمانی بود رمزش عزاداری، به سرعت رو سویش آری «أیا کاشف!» به لب جاری، بود او فخر ایمانی بود درسش همه غیرت، به راه حق همه نصرت سراسر زندگی عزّت، مشو غافل از او آنی بنازم

روح بـاز او یَدَین کارساز او توسّل بر مزارش جو، وزیر عشق ربّانی ابرمردی است با قـدرت، معلّم در ره همّت وزیر شاه با صولت، مُضیف بزم عرفانی صفا دارد بسی کویش، جمال مرتضی رویش چرا بشکست بازویش به ظلم عبد شیطانی؟ بگریَم من از آن ساعت که قدِ سروِ «قَدْ قامَت» خمید از دیدن آفت، شکست آن ظَهر سلطانی سکینه اَلعطش خواند، همه چشمان به ره ماند چرا سقّا نمی‌رانَد، کجا شـد حیـدر ثانی؟ سکینه بـا پـدر می‌گفت، لبان خشک او بشکفت: عمو آبی برایم جست، رود احساس عطشانی؟ شهنشه هم جوابش داد، عمود خیمه را بنهاد ز ظلم ظالمین فریاد، کجا شـد روح انسانی؟ که یعنی بی‌علمـدارم، ز بعـد او گرفتارم به دل عشق ورِا دارم، فُتوّت را بـود بـانی به قربـان وفـای او، کنـد «کوچـک» ثنـای او بـوَد شـعرش رثـای او به لطف حی سبحانی چه می‌گویم؟! امروز تاسوعـاست!. عـده‌ای مخـالف جمعه راه می‌رونـد، در تـدارک آتشـند که فردا آتش به خیمه‌هـا بزننـد! بر خلاف وعـده، خدا و پیامبر را نفی می‌کنند و امام را به بیعت، امر و از مبارزه با یزید نهی می‌نمایند. وعده چه بود؟ قبول ربوبیّت حق تعالی، رسـالت پیـامبر، امـامت ائمّه علیهم‌السـلام، «یـا أَیُّهَا الَّذین آمَنوا أوفوا بِالْعُقود» ...۸ چرا عهـدها و عقـدها را شکسـتند، چرا سـنگ بر پیشـانی امـام زده قلب او را خسـتند؟ ملائـکه، این کـارزار را می‌دیدنـد امّـا از کـارزار خوبـان به خوبی آگاه نبودنـد، کارزار عقل و شهوت! زمانی که عقل بر شـهوت پیروز گردد و زمانی که انسان در امان خـدا دست در دست امین اللّه امان یزید را مردود شـمارد، زمـانی که بشـر «مـاء مَعین» و ولایـت «امـام مـبین» را به آب فرات نفروشـد و غربت «بِئْر مُعَطَّلَة» را در نظر گرفته از آب گـوارای آن سیراب گردد، آن زمـان انسـان «خَیرٌ مِنْ مَلائِکَة» می‌گردد و ملائـکه در محضـر چنین انسـانی تـا قیامت به خـدمت مشـغولند. «مَا لا تَعْلَمُونَ» تاسوعا و آب بسـتن و صدایِ العطش را فقط می‌بینید و می‌شنوید؟ عاشورا را ببینید که عَلم‌دار، عَلم‌داری می‌کند، طواف را ببینیـد، مگر شب قـدر است که عباس به دور امام طواف می‌کنـد، نماز و نماز طواف را می‌خوانـد؟. کف‌العباس را بنگرید، مقداری دورتر از اسب افتاده است تا نماز طواف را بخوانـد. فرق، بسیار است. کـدامین شـما اینچنین طواف داشـته‌اید؟ تشنه شده‌ایـد؟ شـما کارزار را ندیده‌ایـد و سـنگ جفا نخورده، مَلَک بوده‌اید؛ برای همین می‌گویم «إِنِّی اَعلَمُ مَا لا تَعْلَمُونَ» اینجاست که شـما باید خادم خدام الحسین علیه‌السلام باشید و به قلب زائرین کف‌العباس علیه‌السلام و حرم با صفایش صواب بیندازید تا ثوابها و بهره‌های فراوان ببرند و با حکومت عباس بر نفس، حکم برانند و بر تهاجم دشـمن لعن ابدی بخوانند. در میان سـرداران اسلام و شهداءِ راه فضیلت و ایمان مقامی مانند مقام عباس علیه‌السـلام پیدا نمی‌کنید. چرا که عبودیّت، جوانمردی و پای‌مردی او در زمان حُجج من، یعنی علی و حسن و حسـین علیهم‌السـلام به نمایش نهاده شده و به ویژه در تاسوعا و عاشورا به اوج خود می‌رسد. کدامین شـهید است که چنین نسـبی داشـته باشـد؟ فرزنـد امـام علی علیه‌السـلام تمـام وجود از علی سرچشـمه گرفته و در مسـیر، اسـتوار می‌مانـد تـا به اعلی علیّین می‌رسد. مادرش ام‌البنین علیهاالسـلام منتخب است تا شهیدی منتخب به دنیا آورد، برادر امامَین الحسن و الحسین علیهماالسلام، ولی خود را خادم می‌دانـد و راستی به امامَین خـدمت می‌نماید. عموی بزرگ و بزرگوار نُه امام، به دست کدامین شـهید چند امام بوسه می‌زنند؟ «مَا لا تَعْلَمُونَ»! که نهمین امام از نسل امام حسـین علیه‌السـلام به خروش شما علیه فساد و خونریزی پاسخ می‌دهد. به دعای مضـطر، ظاهر می‌گردد و انتقام اعدا را می‌گیرد. یکی از وجوه اشتراک قیام الحسین علیه‌السلام و قیام المهدی (عجّل اللّه تعالی فرجه الشـریف) این است که تمـام، آن روز یعنی روز ظهور اقـامه‌ی نمـاز می‌کننـد. «اَلَّذینَ ان مَّکَّناهُم فِی الأَرضِ أَقَامُوا الصَّلَوةِ وَ» ...تمام زمین اهل نماز می‌شوند، نماز واقعی که شـرط صـحّت را دارد طبق فقه اهل بیت علیهم‌السـلام است و شرط قبول را هم دارد چون با قبول رهبری امـام زمـان (عجّـل اللّه تعـالی فرجه الشـریف) همراه است. نمازشان نماز است، ماننـد نماز شـهدای کربلا، اقامه است نه خوانـدن تنها، تطبیق ظاهر و باطن است، جسم بی‌روح نیست، قلب دارد، روح دارد، نمازی که شـما ملائکه به تعجب می‌اُفتید، مانند نماز عاشوراییان. خواهید دید و خواهید شـنید «إِیَّاکَ نَعْبُدُ وَ إِیَّاکَ نَسـتَعین» عباس و حبیب و مسلم را. راستی راست می‌گویند و در قلبشان همین می‌گـذرد: «إِیَّاکَ نَعْبُـدُ وَ إِیَّاکَ نَسـتَعین» ، و الّا چرا عباس علیه‌السـلام این همه ایثار می‌کند؟ چرا وعده‌های دشـمن را مردود می‌داند؟ چرا حبیب و مسـلم فرار نمی‌کنند؟ مگر نمی‌دانند فردا چه خبر است؟ ای ملائکه! شما به نماز فاسدین و مُفسدین فی

الارض نگاه می کنید، و به آن که در حال مستی نماز صبح را چهار رکعت می خواند، به آن که نماز می‌خوانَد و فساد و خونریزی هم برایش عادت می گردد و از آن لذّت می‌برد، شما از زمان ظهور بی‌خبرید. زمان ظهور دیدنی است... «یَعْبُدونَنِی لایُشْرِکُونَ بِی شَیْئًا وَ مَن کَفَرَ» ...فقط مرا می‌پرستند و از شرک خبری نیست، جامعه بدون ریا، سلامت فکر و اندیشه و سلامت اقتصاد و جهان مادیات را در بر دارد. آن روز اصل، تصحیح فکر و عقیده است، بر اساس عنایت ولیّ من، مهدی (عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف) فکرها بالغ می گردد بشر به رشد فکری دست پیدا می کند، آن وقت ببینید چه می‌شود! البته جهان، جهان اختیار است، این‌ها به جبر در دانشگاه مهدوی نام نویسی نکرده‌اند؟ اینها مجاهدین راه من شده و با توسّل و تقوی لایق درگاه مهدوی و ظهور آن حضرت گشته‌اند. یوم‌الظهور، روز ظهور بندگی است و روز ظهور کمال انسان. قرن‌ها می گذرد بعد از واقعه‌ی کربلا و بعد از ائمّه‌ی هدی علیهم‌السلام شما چشم به راه انسانهای کاملید امّا «و قَلیلٌ مِّنْ عِبَادِیَ الشَّکُورُ» کم، خیلی کم، می‌یابید!. ولی یوم الظهور، روز ظهور قدرت من، بَه بَه روز جلالت ولیّ من ...گفتم «إِنِّی اَعلَمُ مَالا ـ تَعْلَمُونَ» حالا ـ دیدن دارد، ای ملائکه، من چشم به آنها داشتم که نامشان را به آدم القاء کرده و ابراهیم را با آنان تا مهدی (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) امتحان می‌نمایم. اصل هدف خلقت و علّت غائی آفرینش مهدی و آباء طاهرین ایشان است، ظهور مهدی، ظهور هدایت است، آن روز «و لِکُلِّ قَومٍ هادٍ» ۹ به بهترین وجه معنی می گردد و مهدی، هادی امّت می‌شود. ظهور مهدی، ظهور حق است «سَنُرِیهِمْ ءَایَتِنَا فِی الآفَاقِ وَ فِی أَنفُسِهِم» ...ظهور حق همه جا، در همه‌ی عالم، آن وقت شما ببینید و «اِنّی اَعْلَمُ مَالا ـ تَعْلَمُونَ» را خوب بدانید. ظهور مهدی، ظهور حق است، بَه بَه بِه اَعلی صوت، ندای «جاءَ الحَقُّ وَ زَهَقَالباطِل» طنین‌انداز می گردد و آنها که فساد جهان را می‌خواستند و خون‌ریزی می‌نمودند نابود می گردند. ظهور مهدی، ظهور قدرت عباد است، عبادِ من «وَ لَقَدْ کَتَبْنَا فِی الزَّبُورِ مِن بَعدِ» ...۱۰ عباد من قدرت دارند، اما بروز قدرت به روز ظهور موکول شده است. قدرت علی علیه‌السلام نمی‌تواند ظاهر بشود و قدرت ائمّه تا امام عسکری علیه‌السلام، همه‌ی قدرت را می گویم، ظرف‌ها کوچک است، مردم ساخته نشده‌اند ولی مردم روز ظهور، فکرشان بلند و از روحیه‌ی بالا برخوردارند، ساخته شده‌اند، با نگاه مهدی مهدوی شده‌اند مثل مردم اندک، ولی لایقِ زمانِ امام علی علیه‌السلام که با نگاه حضرت، علوی می‌شوند، مثل عباس که با نگاه امام حسین علیه‌السلام مراتب بالای بالا را از معنویت و بصیرت طی می کند و قدرت حسینی را می‌بینند. می‌بینید که حسین قدرت دارد ولی برای اتمام حجّت و تدریس کمال و معرفت، با دشمن با رأفت عمل می کند. قدرت جنگیدن، قدرت هلاک کردن دارد، اگر «موتوا» بگوید همگان می‌میرند، قدرت آبیاری، اما چه می‌شود تشنه مانده است؟ مگر امام حسین علیه‌السلام از موسای کلیم مقامش پائین‌تر است... «فَقُلْنَا اضْرِب بِّعَصَاکَ الْحَجَرَ» ...۱۱ وقتی تکیه‌گاه، من باشم یعنی ولی با توکل من کار کند، چه می‌شود، کار باذن اللّه کارِ تمام است، دوازده چشمه‌ی آب، برای موسای کلیم پیدا می‌شود. عباس می‌سوزد و می‌سازد که امام قدرت دارد، فوق قدرت موسی، می‌تواند دشمن را نابود کند ولی باز هم نصیحت، باز هم رأفت. در بین عباد آن کس که قدرتش به ظهور می‌رسد مهدی موعود است. چون مردم دوره‌ی ظهور همه عباسی می گردند، بصیرت‌ها و دیدها بالا می‌رود.

«شعر»: [سائلی گفت به من وقت ظهور]

سائلی گفت به من وقت ظهور چه شود وضع بشر با آن نور؟ گفتمش وقتِ ظهور آن یار دل شود منبع نورالأنوار دست او دست عنایت باشد بر سر خلق، کفایت باشد همه جا بوی گُل یاس رسد روشنی بخش دل ناس رسد همه جا نور محبّت آید حسد و کبر ز سر بزداید همه جا دین خدا تأمین است عدل و انصاف بشر تضمین است همه جا دین حقیقی شامل همه جا عزّ اِلهی کامل همه جا نور خدا جلوه‌گر است همه را تاج کرامت به سر است همه جا نور علی نور بوَد گوییا منطقه طور بوَد قاصدان حرمش یابنده مؤمنان ره او پاینده عشق مهدی به روان عُبّاد گوییا شمس بود در مرداد عشق مهدی به خدا دینداری است علّت اصلی سنگرداری است

عشق مهدی به خدا دین باشد نسخه اصل ز تکوین باشد همه جا عشق حسینی بر پاست همه جا گفتگوی کرب و بلاست همه عباسی و هُشیار شوند با غم حجّت حق یار شوند آری عبّاس عزیز زهراست با غمش کرب و بلا ـ دشتِ بلاست او به ما معرفت آموخته است به مرام شه دین سوخته است حجّت حق تو و جان سرباز بر من خسته روان چاره بساز «کوچکم» ، مفتخر عشق ولیّ حامد حمد خداوند علیّ ۱۲ روز ظهور روز اجرا است، زمان ابلاغ گذشته است، زمان اجرا رسیده است، اجرای فرمان من و امر و نهی رسول و پیشوایان بعد از او که امر و نهی‌شان امر و نهی من است، روز ظهور، روز ظهور رأفت هم هست، مهدیِ قدرتمند با رأفت است، آن چه هست با سران فساد و کفر رأفت ندارد. روز ظهور او، روز ظهور «رَحْمَةً لِلْعَالَمِینَ» است، دلسوزی‌های پیامبر و علی تا امام عسکری را مُصلح بشریت به اکمال می‌رساند. ولی در مقابل، مردم زمان او از رحمت و رأفت سوء استفاده نمی‌کنند، اگر اهل سوء استفاده باشند نابود می‌گردند. چه می‌گویم، روز تاسوعا گذشت، از خدا می‌گویم تا ببینی شیعه از خداوند می‌گوید، سند قرآنی دارد. ببین می‌فرماید «لقد منّ اللّه منّت برای این که پیامبر فرستاده است، در مورد امام مهدی هم، همین را می‌فرماید: «وَ نُرِیدُ أن نَّمُنَّ عَلَی الَّذین» ...۱۳ منّت می‌گذاریم بر آنها که به استضعاف کشیده شدند آنها را امام و وارث (روی زمین) قرار می‌دهیم. وجود پیامبر و رهبریش منّت دارد، امام مهدی هم همین‌طور است. منّت وجود او که باعث بقاء هستی است، و لطف الهی است. منتِ تصرف او، ظهور و تشکیل حکومت عدالت گستر جهانی، که به قول خواجه‌ی طوسی (قدس سره) لطف دیگر است. به هر حال تاسوعا گذشت هم تاسوعای سال ۶۱ ه.ق و هم تاسوعای امسال (سال ۱۴۲۶) و تاسوعاها می‌گذرد، چه شد و چه می‌شود، چه کردند و چه می‌کنیم، تابلوهای نور و ظلمت باقی است «قُل سِیرُوا فِی الأَرضِ فَانظُرُوا کَیفَ کَانَ عَقِبَةُ المُجرِمِینَ» ۱۴ نکند ما با گناه و معصیت، قلب ظلمانی پیدا کنیم و با تکذیب حقایق و واقعیت‌ها، تابلوی ظلمت و مایه‌ی عبرت گردیم.

امام حسین علیه‌السلام گریه می‌خواهد

شنیدم چند نفر به ظاهر تحصیل کرده و از فرنگ برگشته دور هم جمع شده و گُل گفته و گُل شنیده‌اند که امام حسین علیه‌السلام گریه نمی‌خواهد، حزن و سیاهپوشی نمی‌خواهد، اصلاً گذشته‌ها گذشت حالا باید فکری به حال ترقّی خودمان بکنیم. اولاً به آقای دکتر ... که عاشوراییان را عقب مانده می‌داند و خودش را مترقّی می‌خواند، می‌گویم: آقای دکتر خواهشمندم برای این کسالت که به جان و روح شما افتاده، یعنی درد و مرض برتری جویی و عُلو خواهی و خود پسندی حتما به دکتر مراجعه کنید. آقای دکتر، چه مقدار از مجهولات دنیا برای شما و امثال شما معلوم است؟ چه مقدار از حقانیت پیامبر و قرآن و عترت می‌دانید؟ علم و دانشی که شما بر آن تکیه می‌کنید آیا در تورات و انجیل وجود دارد؟ علم طب، دانش شیمی و داروسازی، علم الحیل و مکانیک، هیأت و نجوم و غیر اینها را در کدام کتاب و مکتب در قرون گذشته پیدا می‌کنید؟ آقای دکتر و خویشِ مهندسِ شما، باید بدانید آن زمان که از امریکا خبری نبود و اروپا هم الفبای این علوم را نمی‌دانست، قرآن و عترت علیهم‌السلام مبدأ این علوم بودند. آقای دکتر و آقای مهندس، چرا هندسه‌ی فکرتان بر اساس حق‌کُشی و کج سلیقگی بنا شده و با میکروب غرور و منیّت سر و کار دارید؟ یک مقدار ترقی بفرمایید و به اندازه‌ی گاندی آتش‌پرست مَرد باشید و به یگانه مَرد حُریّت و آزادگی، عبودیت و بندگی در برابر خداوند متعال، یعنی امام حسین علیه‌السلام احترام بگذارید. در مجلسی که چند نفر جوان کم مطالعه و کم تجربه نشسته‌اند سخن گفتن و زمین را به آسمان دوختن و تمام افتخارات را به آمریکا و اروپا نسبت دادن و بر سر خودی‌ها کوبیدن، کاری است که از یک عمله و کارگر ساده هم بر می‌آید. مرد باشید و در یک مجلس عالمانه و محققانه بر اساس ادله‌ی عقل و نقل، مستند و با ادب سخن بگویید، تا معلوم شود چه می‌گویید. آقای دکتر، آقای مهندس، یافتن غیر از بافتن است، آنچه برای من نقل شد، مطالب شما در مورد عاشورا و امام حسین علیه‌السلام یافتنی نیست بلکه، بافتن است و معلوم می‌شود که درآمد پزشکی و مهندسی شما کم شده اخیرا شما به شغل بافندگی هم روی آورده‌اید. شما باید در آن جلسه معلوم می‌کردید که آیا در دایره و محیط عبودیت و بندگی

خداوند و پیروی رسول اکرم و پیشوایان معصوم صحبت می کنید، یا در محیط منحطِ الحاد و کفر و مردود دانستن همه‌ی مقدسات الهی، بافندگی می‌نمائید. گریه بر امام حسین علیه‌السلام سنّت نبوی و سیره‌ی اهلبیت علیهم‌السلام است و سنّت نبوی و سیره‌ی اهل بیت، مطلوب خدای متعال می‌باشد. آقای دکتر و آقای مهندس، وقتی ما مأمور به عزاداری باشیم و بر گریه و حزن بر امام حسین علیه‌السلام و مصائب آن حضرت دستور داشته باشیم، آیا می‌توانیم تبلیغ شادمانی در روز تاسوعا و عاشورا بنماییم؟ مگر اینکه اصل دین و دیانت را رد کنیم و قیافه روشن‌فکرمآبانه گرفته، برای فاتحه دین نیم ثانیه سکوت کنیم. و راستی آیا شهادت امام حسین علیه‌السلام و مصائب آن جناب شادمانی دارد؟ درست است مقام آن حضرت بالاـ و والاست و در روز عاشورا اوج عروج الهی داشت و این مصیبت را صد چندان می کند که به چنین شخصیّت بزرگی جسارت و بی‌ادبی بنمایند و سنگ بر پیشانی و خنجر بر حنجر آن جناب بگذارند. آقای دکتر، آقای مهندس با حرفهایی که از شما نقل گردید توقع نیست شما برای عزای پدر یا مادر و برادران و خواهرانتان گریه کنید و در مجالس فاتحه خویشان و دوستان شرکت بفرمایید، پیام تسلیت هم برای هیچ کس نفرستید، بلکه در عزای عزیزان و دوستان خود، خنده کنید، کف بزنید، سوت بکشید و پیام شادباش بفرستید، بهر حال شاید آن مرحومین به بهشت رفته باشند، و بهشت رفتن که گریه و حزن و تسلیت ندارد. آقای دکتر، مطالبی که شما گاهی برای بعضی جوانان بیان می‌دارید، بی مأخذ نیست مأخذ آن را برای شما می گویم، و بدانید این مطالب هرگز بی پاسخ نمی‌ماند. شما و آقای مهندس، که برای خویشان خود سخن گفته‌اید، پیشگاه خدای متعال باید پاسخگو باشید، چرا و به چه علت در مسائلی که وارد نبودید و در تخصص شما نبود وارد شدید و غلط اندازی کردید و غلط گفتید و نسل جوان را به راه غلط دعوت نمودید. مأخذ گفتار شما گفتار صوفیّه است که تمام فِرَقِ آنها مردود ائمّه‌ی اطهار علیهم‌السلام هستند.

[شادمانی در روز عاشورا و تبریک گفتن از فرهنگ بنی‌امیّه نشأت می‌گیرد]

و اصلاً شادمانی در روز عاشورا و تبریک گفتن از فرهنگ بنی‌امیّه نشأت می گیرد، و صوفیّه توجیه‌گر کار بنی‌امیّه و بنی‌عباس و ستمگران تاریخ بوده و هستند. قصه‌ی عزاداری در انطاکیه و بافتن مولوی در مثنوی و قصه گریه‌ی سرورِ حداد، برای پیروان قرآن و عترت هیچ ارزشی ندارد. اگر مثنوی این مطالب را القاء نمی کرد و مثنوی گوها مؤید نمی‌شدند، چطور آقای روشن‌فکرنما که خود و فرزندانش در لجن مفاسد اخلاقی و اعتقادی غوطه‌ورند می‌توانستند عزادار امام حسین علیه‌السلام را استهزاء کنند و سینه‌چاکان و عاشوراییان را مردمی عقب‌مانده بخوانند.

[تشرف به اسلام آقا و خانم فیلیپینی در شب عاشورای حسینی ۱۴۲۶]

به هر حال گذشت، عاشورا رسید، شب عاشورا به منزل یکی از شیعیان دعوت شدیم و با بعضی دوستان به آن‌جا رفتیم. می گوئید آن‌جا چه خبر بود؟ اقتضاء زمان می گوید، آن‌جا عزاداری بوده است. بله، آنجا تجلیل از دین اسلام و تعلیم دانشگاه تشیّع و مکتب امام حسین علیه‌السلام بود. اسلام همچون آب است، اگر در جایی جلوگیری از جریان آب بنمایند، از جای دیگر نفوذ می کند. آقای دکتر و مهندس خودی، میکروب غرور و خودپسندی به کله‌اش می‌زند و به مقدّسات دینی اهانت می کند، و اینجا غریبه، با جذبه‌ی عاشورا، به جمع عاشوراییان می‌پیوندد و خودی می‌شود. سه نفر در مجلس یاد شده، اهل فیلیپین از مسیحیّت به اسلام گرویدند. شب عاشورا، شب نشان دادن تابلوی نور و ظلمت، انتخاب کن «إِنَّا هَدَیناهُ السَّبِیلَ إِمَّا شَاکِرًا وَ إِمَّا کَفُورا» ۱۵ و عاشورا راه انبیاء، تشریح گرِ مسیر ابراهیم و اسماعیل، دانشگاهِ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان عصمت و طهارت. انسان، خواب هستی یا بیدار، با تو هستم، محققین غرب و اروپا، دسته دسته به اسلام روی می‌آورند و اگر استعمار نبود و اگر موانع سدّ راه تبلیغ نبود و اگر خودی‌ها قدر می‌دانستند و بیشتر و بیشتر کار می کردند، مثلاـ حاجی بازاری عوض خرجهای بیهوده به کار تبلیغات

می‌رسید، کار به زبان روز و برای رضای خدا، می‌دیدی اسلام چه اندازه طرفدار پیدا می‌کرد، و این گونه شب عاشورای‌مان گذشت، ساعت شش و ربع، قبل از مغرب خانم فیمیا مسلمان گردید، و به انتخاب خودش اسمش را فاطمه نهادیم. آیا به اسلام علاقه دارید؟ خیلی علاقمند هستم، دوست دارم بیشتر در مورد اسلام بدانم. آیا می‌خواهید اسلام اختیار کنید؟ بله از روی میل و رغبت می‌خواهم مسلمان بشوم. هر زمان مسلمان شدید باید به احکام اسلام عمل کنید، مثلاً نماز بخوانید، روزه بگیرید، حجاب داشته باشید. عمل می‌کنم، دوست دارم عمل کنم. آیا اسلام آوردن شما از روی اکراه و اجبار نیست؟ قبلاً گفتم من اسلام را دوست دارم. در اینجا یکی از برادران روحانی مطالب خوبی را بیان نمود تا مغرب فرا رسید. نماز مغرب و عشا را خواندیم، میزبان بسیار از مسلمان شدن فیمیا خوشحال بود. خانم میزبان که در تبلیغ اسلام برای این خانواده فیلیپینی زحمت کشیده بود می‌رفت تا برای بعد از نماز آقای رومن ...و خانم ...را به مجلس بیاورد. و بعد از مدتی این دو جوان فیلیپینی وارد شدند. از آقای رومن... می‌پرسم آیا از اسلام اطلاع داری؟ کمی، اسلام روابط خانوادگی سالم دارد، اخلاق دارد می‌خواهی مسلمان بشوی از صمیم قلب تحصیلات شما و سنتان دیپلم و سنم ۳۵ سال از خانم می‌پرسم، تحصیلات و سن شما؟ لیسانس حسابداری و ۲۱ سال آیا از اسلام اطلاعات دارید؟ مقداری، اسلام کارهای خوبی دارد، قوانین خانوادگی و اخلاق و حالا بیشتر انسان به فکر می‌رود، فکر بی‌فکری تحصیل کرده‌های خودی. البته نه همه‌ی آنها، ما تحصیل کرده‌ی متدیّن و مؤدب فراوان داریم، اگر تحصیل کرده‌های متعهد و روشن‌فکر واقعی نبودند الآن دانشگاه ما بیش از این به گناه و خطا روی می‌آورد. خداوند متعال اجرشان دهد، در سنگر مبارزه با گروه‌های انحرافی، اینها سهم خوبی دارند. همراه با مرجعیّت شیعه، معتقد به مبانی ولایت، سنگر دارند. به هر حال آقا و خانم فیلیپینی در شب عاشورای حسینی ۱۴۲۶ ساعت هفت و نیم مسلمان شدند. خداوند به میزبان و همسر ایشان و همه‌ی افرادی که مشوق بودند و در آن جلسه شرکت داشتند جزای خیر عنایت فرماید. شب عاشوراست، تنها نشسته و فکر می‌کنم.

[دانشگاه نظری و دانشگاه عملی امام حسن علیه السلام]

امام حسین علیه‌السلام دو دانشگاه دارد. (دانشگاه نظری و دانشگاه عملی) و ما برای بهره برداری از این دو دانشگاه دو مانع داریم. ۱ حکومتهای استعماری ۲ سستی جوامع اسلامی برای هر کدام مطالبی را بیان می‌کنم. ببینید دروس دانشگاه نظری امام حسین علیه‌السلام در دعای عرفه مطرح شده است عرفان واقعی، نهایت بندگی در برابر حق تعالی، بصیرت، خشیت. اللّه‌اکبر، ماشاء اللّه به این بیان، درود به این حنجره، و سلام بر این زبان و دهان، رسولان الهی باید بیایند پای این دعا زانو بزنند و در دانشگاه عرفه‌ی پسر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم متعلم باشند و معبود را با کلام حسینی بخوانند. به خدا اگر کسی دعای عرفه را بفهمد، خوب بشناسد، بی‌دین، ماتریالیست، مسیحی و یا یهودی نمی‌ماند، اهل سنت اگر بتوانند در معانی این دعای بزرگ تدبّر کنند. حتما به گروه شیعه می‌پیوندند. همین دعا بود که آقای سومیاکی ژاپنی را از بودائیت به اسلام آورد، داستان تشرف نام‌برده را در جزوه‌ی استقبال خورشید نوشته‌ام، این دعا در کربلا و روز عاشورا عملاً به بشریّت تدریس شده است. آنجا که در دعای عرفه می‌گوید: «متی غبت حتی تحتاج الی دلیل یدل علیک» معبودا تو کی غائبی، تو آشکاری، ظهور هر چیز از توست، چگونه ممکن است خودت ظهور نداشته باشی؟! کور باد چشمی که تو را نبیند. حالا در صحنه‌ی کربلا به گونه‌ای رفتار می‌کند، که خدای را می‌بیند. شب عاشورا، نمازش نیاز صد در صد است، «أَنَا الْفَقِیرُ فِی غِنَایَ » ، اگر بشریت این نماز را می‌شناخت به آن نیاز پی می‌برد.

نماز امام حسین علیه‌السلام

«إِیَّاکَ نَعْبُد» با لفظ نه، لفظ باید باشد، ظاهر باید رعایت شود، شرع مطهَّر باید عملی گردد، ولی تلفظ با معنا باید باشد، قول با عمل باید همراه بشود خیلی‌ها مناجات دارند، البته نه در حدّ مناجات امام حسین علیه‌السلام حتی نه در حد مناجات اصحاب امام در

کربلاء مناجاتشان چاپ و منتشر هم شده است، می‌بینیم نه مناجات این‌ها بوی دعای عرفه می‌دهد و نه خوانندگان کربلایی فکر می کنند. گوشه‌ای خزیدن، رُهبانیّت، درک نکردن مسئولیت‌های اجتماعی، این با خط دعای عرفه و عاشورا فرق دارد. «أَنَاالْفَقِیر» و «إِیَّاکَ نَعْبُد» یعنی مناجات امام حسین علیه‌السلام روز عاشورا به نمایش گذشته شد، یعنی باطن بندگی و عبودیت را ابا عبداللّه علیه‌السلام، پدر بندگی نشان داد. صدای العطش دل دلدار را جریحه‌دار کرده است، مگر فرزندان خود را دوست نمی‌دارد، شهادتِ شاگردانِ ممتاز این دانشگاه مگر برای استاد مصیبت، بزرگ به حساب نمی‌آید؟ پسرش علی، نماینده و نمایش دهنده‌ی محمّد صلی الله علیه و آله و سلم ، خَلق و خُلق و منطق محمّد مصطفی را به یاد نمی‌آورد؟ مگر شهادتش وا مصیبتاه ندارد؟ آنکه حرف شادی می‌زند در جهالت گاه بنی‌امیّه و بنی‌عبّاس به نام عرفان تغذیه شده است، وا مصیبتاه وا مصیبتاه! پسرم علی، ببین غربت مرا، پسر برادرم قاسم و برادرم عباس، خدایا چه می گویم؟ امام حسین علیه‌السلام برای اینکه بزرگی مصیبت را نشان بدهد، بزرگی عباس را، بزرگی عبودیّت را، می گوید کمرم شکست، تا روشن‌فکرنما و وهابی‌زده نگوید عاشورا شادی می‌خواهد، بدبخت، عاشورا سند مظلومیّت عترت را چرا به همراه مخالفان به ابتذال می کشی، عاشورا تار و تُنبک نمی‌خواهد، عاشورا دل سوخته و قلب غم‌بار می‌طلبد و فریاد علیه ستمگران. از دست دادن این سلاح را به نام عرفان، صلاح امّت نمی‌باشد، و هرگز تبلیغ شادمانی وفق مُراد، امام حسین علیه‌السلام نیست. چرا گفت کمرم شکست؟ تا تو هم به امامت تأسی کنی، و داغ علی اکبر و قاسم و عباس را بفهمی و در این مصائب مصیبت‌زده باشی. اللّه اکبر، دل را ببین، دلدار را ببین، کدام بنده است به این مقدار دل داشته باشد؟ مگر نمی‌دانست؟ بله از اول می‌دانست، این‌جا تهلکه نیست، این‌جا حیات طیبه است، از اول بله گفت و تا آخر ایستاد. «أَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ » ، اقامه صلوهٔ اقامه‌ی عبودیّت، تدریس عملی بندگی، مگر ابراهیم قضیّه‌ی اسماعیل را نمی‌دانست مگر اسماعیل قضیّه‌ی خنجر و حنجر را نمی‌دانست، اینجا وادی «بلی» گفتن است، تهلکه آن است که تو در آن غوطه‌وری، تهلکه، جهل تو به مبانی عبودیّت و غفلت نسبت به عاشوراییان است. و شیرخواره علی اصغر، دیدن دارد، قلب را نظاره کن، معجزه چیست، انسانی در اوج غربت انسانیت، انسانیت را به نمایش می گذارد او به لشکریان آب می‌دهد و این‌ها عوض آب به شیرخواره تیر سه شعبه، دعای عرفه، و «إِیَّاکَ نَعْبُد» در دانشگاه عبودیّت کربلاـ عملی گشت و ملائکه... «إِنِّی اَعلَمُ مَالاـ تَعْلَمُونَ» را دانستند. وامصیبتاه، عصیر هستی، عصاره مکتب انبیاء، جان رسول خدا، زیر چکمه ستم. این همان چکمه روز سقیفه است این را بدانید، نگوئید شیعیان قاتلان حسین علیه‌السلام شدند، ریشه را بنگرید، یزید فرزند معاویه و معاویه فرزند سقیفه است، فرهنگ سقیفه اطاعت از یزید و عبیداللّه را اطاعت «أُولِی الأَمرِ مِنکُم» ...۱۶ تعریف کرده و می‌نماید. شمشیر بالای سر علی، عاشورا، ضربتی بر پهلوی امام گردید، وا مصیبتاه، نمی‌تواند روی پای حرکت کند، صدای طفلان را یا صدای هلهله و شادی اعداء را بشنود. او، امر خدای را می‌شنود، او (اذن واعیه) دارد، بلکه خودش اذن واعیه است، عین اللّه می‌بیند تمام عالم را، کور نیست، امام را کور تعریف نکنید، امام کور برای بشر نمی‌تواند بصیرت بیاورد. خواهرش آمده است، می گوید برگرد، شریک تا آخر کار باید با شریک همکاری کند. ما هنوز کار داریم کوفه و شام، تعهد و مسؤولیت، وا مصیبتاه، هوا دگرگون می‌شود، عالم تکوین هم بر سر و سینه می‌زند تا الان چنین است اما دیده‌ی بصیر می‌خواهد، شما گریه انسان را می‌بینید، اما آیا از گریه جن و ملائکه خبر دارید؟ گریه کوه و دشت و صحرا، گریه آب؟ «إِیَّاکَ نَعْبُد» و عبارات عرفه از حنجره‌ای مقدس و از لب و دهانی مطهر بیان می‌شود و عاشورا وا ویلاه، وا ویلاه این حنجر، زیر خنجر، بندگی را به بشریت یاد می‌دهد. و دانشگاه تمام نمی‌شود، سر بر بالای نیزه قرآن می‌خواند، تا ایستادگی و استقامت را یاد دهد، تا با قرآن بودن را بیاموزد، تا به اهل قرآن همراهیِ قرآن خواندن را با عمل به قرآن تدریس کند.

[دو مانع دانشگاه عبودیت نظری و دانشگاه بندگی عملی امام حسین علیه السلام]

و این دو دانشگاه، دانشگاه عبودیت نظری، و دانشگاه بندگی عملی دو مانع دارد: ۱ حکومتهای استعماری ۲ سستی جوامع اسلامی

حکومتها از این طرز تفکر و از این مجاهده و مبارزه سیلی خورده و می‌خورند، مکتبِ «هَیْهَاتَ مِنَّا الذِّلَّةُ» ، با ستم و تجاوز، ظلم و بی عدالتی مبارزه می‌نماید، و بر این اساس در طول تاریخ بلندگوی این دو دانشگاه از طرف حکومتهای طاغوتی به خاموشی می‌گراید. بلندگوی دعای عرفه و ادعیه مأثوره بیشتر به وسیله دو گروه که ایادی حکومتهای طاغوتی هستند خاموش می‌شود. ۱ گروهی که خود دعا دارند، ذکر دارند، عرفان دارند، در واقع برای مقابله با مکتب حق، دعا و ذکر می‌تراشند و عرفان می‌بافند و تبلیغ تصوّف می‌کنند. ۲ گروهی که روشنفکرنما هستند و اصلاً دعا و مناجات را رد می‌کنند، این کارها را خرافی می‌دانند و دعا کنندگان را به دیده‌ی تحقیر می‌نگرند. و بلندگوی عبودیّت عملی، یعنی عاشورا از همین دو طایفه ضربه خورده است. طایفه‌ی اوّل گریه‌ی شوق و سرور را عنوان نموده، با حزن عاشورا و بکاءِ آن به مخالفت برخاسته‌اند و طایفه‌ی دوّم گاه با تصوّف هم‌صدا گشته مبلّغ تار و تُنبک هستند و گاه اصلاً به انکار قضایا پرداخته، آب به آسیاب بنی‌امیّه و بنی‌عبّاس می‌ریزند، مثلاً انکار احراق بیت حضرت فاطمه سلام اللّه علیها می‌کنند و یا جنایات ظَلَمه‌ی کربلا را با هزار پُررویی رد می‌نمایند و یا عزاداری و روضه خوانی را ساخته‌ی صفویّه معرفی و به عنوان مبارزه با استعمار، با مکتب ضدّ استعمار یعنی تشیّع مبارزه می‌کنند. مانع بزرگتر برای درك این دو دانشگاهِ بزرگ، سستی جوامع اسلامی است. وای از سستی ما، همین سستی را در زمان حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌بینیم. نهج البلاغه فریادهای علی علیه‌السلام را منعکس کرده، بر سر مردم فریاد می‌زند که سستی وجودتان را فرا گرفته و به کار و تلاش و مبارزه در راه دین بی‌توجه‌اید. زمان امام حسن را خوب توجّه کن، و بی‌تفاوتی مسلمین را، وای از این سستی وای از این بی تفاوتی. و امروز شرح مثنوی داریم اما شرح دعای عرفه نه، آیا در دانشگاه‌های ما دعای عرفه تدریس می‌شود؟ چند درصد ما دعای عرفه را خوب فهمیده‌ایم؟ آیا می‌توانیم آن را تدریس کنیم؟ آیا به تأسیس دانشگاه عترت فکر کرده‌ایم که دروس عمومی و تخصّصی داشته باشد و از جمله در رشته‌ی ادعیه‌شناسی، زیارت‌شناسی کار کند و نسل جوان ما و کشورهای دیگر را بپذیرد و برای آنها تدریس معارف نماید؟ در حوزه‌ی علمیّه «کفایه» کفایت می‌کند، تدریس این دروس بزرگ یعنی دروس زیارات و ادعیّه لازم نیست، بگویند فلانی حاشیه بر کفایه دارد، یا شرح دعای کمیل و دعای عرفه، کدام بالاتر است. وای بر ما از تحقیر، آقای منبری و نویسنده و کاتب معارف اهل البیت علیهم‌السلام را روضه‌خوان معرفی کردن و قصد تحقیر داشتن و با عناوین بازی نمودن و «کفایه» را برای درمان هزاران درد اجتماعی کافی دانستن با این‌که «کفایه» ، کفایه اصول فقه است، نه کفایت همه‌ی موضوع‌ها و همه‌ی مشکلات، آن هم با دهها اشکال که دهها سال است، بر آن وارد می‌کنند، این حوزه‌ی ما و آن هم دانشگاه ما، و بازار ما بدتر، بازاری که حاضر است برای جشن تولد و جشن عقد دختر و یا پسرش آن همه هزینه کند و اسراف، حالا به او پیشنهاد یك کار فرهنگی بده، ببین ساختمان بازار بر سرش خراب می‌شود و می‌گوید آقا بازار خراب است، با اینکه خودش خراب است، فکرش خراب است، بیچاره اسلام را خلاصه کرده در جمعه و جماعت، آن هم اگر جمعه و جماعت برود. مقدّس نامقدس که زمان امام علی و امام حسن و دیگر ائمّه علیهم‌السلام بودند و عوض کار و تلاش بیشتر، به امام ایراد و اشکال می‌گرفتند. سستی جوامع اسلامی از این جهت مانع نور دادن دو دانشگاه مذکور است که زمینه را برای حرکت جهالت‌کده‌ی دشمن فراهم می‌سازد، سستی ما اگر نبود مکتب‌های استعماری، پُر رهرو نمی‌شدند و به فریب نسل جوان ما نمی‌پرداختند. البته همان‌طور که اشاره نمودم، دانشگاهی متعهّد و وظیفه‌شناس داشته و داریم و نیز علماءِ عامل به وظایف و اگر اینان نبودند اهل بیت علیهم‌السلام و دانش پژوهان دانشگاه آنان بیش از این مهجور بودند، زمان غیبت کبری بقاء دین و حیات متدینین به عنایت خاصه حضرت بقیه اللّه الاعظم (عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف) بستگی دارد و تلاش و کار علماء عاملین به عنایت حضرت مشکل‌گشا بوده و هست و نیز در بازار، مرد کار و جهاد و عاشق دل‌سوخته داشته و داریم، ولی ... «وَ قَلِیلٌ مِّنْ عِبَادِیَ الشَّکُورُ» و حال عاشورا رو به اتمام است، فکر کارهای بعد از عاشورا، راحتی را از اولیا گرفته است. فکر کوفه و سنگ زدن دشمن فکر شام و شادی اعداء در آن ظرف زمانی باید فکر کنیم چگونه پاسخ تبلیغات سوء داده می‌شود چگونه به مردم بفهمانیم که امام حسین علیه‌السلام خارجی و غریبه از دین

نیست بلکه خود اصل دین و مکتب او اسلام واقعی است. چگونه باید به امام سجاد علیه‌السلام یاری دهیم، و یاور اهل‌البیت علیهم‌السلام باشیم و چگونه ... و عاشورای فعلی ۱۴۲۶ ه.ق مگر همان سنگ زدن‌ها وجود ندارد. مگر همان تهمت‌ها نیست، مگر شادی اعداء را نمی‌بینیم؟. امروز باید حال امام سجاد دوازدهم را بپرسیم. شهر به شهر دیار به دیار «أَ بِرَضْوَی أَمْ ذِی طُوًی » ۱۷ کجاست غریب زمانه مظلوم هزار و اندی ساله همه‌ی دنیا کوفه و شام شده و از شرق و غرب، سنگ جفا بر این عزیز می‌بارد.

اهانت هاب مکرر دشمن به ائمه اطهار علیهم السلام

در سفری که شوال المکرم ۱۴۲۴ ه .ق به سامرا مشرف گشتم روز بعد، سامرا را اشغال‌گران زدند و به حرم اهانت کردند، بعضی دوستان خیلی اظهار نگرانی می‌نمودند گفتم این اهانت قرن‌ها است از طرف دشمن انجام گرفته، این روزها آشکارا شده است، مگر مکتب‌های انحرافی را نمی‌بینیم، مگر از کُتب ضدّ ولایت و مهدویّت خبر نداریم، این‌ها هجوم به حرم سامرا است هجوم به خانه‌ی امام زمان (عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف) است. آیا به اندازه‌ی سهل ساعدی برای امام سجاد دوازدهم (عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف) کار می‌کنیم که عمامه‌ی ما کمی از جراحات امام بکاهد و مرهمی بر دل آن وجود مطهّر شود، یا (خدای ناکرده) خطیب دربار یزید می‌شویم، و جراحات آن قلب عالم امکان را دو چندان می‌کنیم. به هر حال وقایع تاریخ باید برای همه‌ی ما درس باشد به خصوص واقعه‌ی غربت اهل‌البیت علیهم‌السلام. و امروز ببینیم مقابل وارث اهل‌البیت علیهم‌السلام و نماینده‌ی خداوند متعال حضرت ولی عصر (عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف) چه کسانی با چه منطقی ایستاده‌اند، شناسایی کنیم و از راه نصیحت و اطلاع‌رسانی و الّا از طریق افشاگری و دفاع، راه را بر آنان ببندیم. و عاشورا درس‌های فراوانی دارد، اوّل، آب دادن حتی به دشمن تا مظهر «رَحْمَةً لِلْعَالَمِینَ » شناخته شود، همان آقا را می‌گویم که تا لحظه‌های آخر حیات جسمانی از سر رأفت، مردم را موعظه می‌فرمود. دوم آب طلب کردن تا بی رحمی و شقاوت فرزندان سقیفه معرفی گردد. در مورد امام سجاد دوازدهم، اطلاع‌رسانی باید نمود که او هم آب حیات جامعه است ...، «لِّنُحییَ بِهِ بَلْدَةً مَّیْتًا وَ» ... و حتی به دشمن آب می‌دهد، وارث پیامبر اسلام و علیّ مرتضی و فاطمه‌الزهرا و حسن مجتبی و حسین سیدالشهداء در کرامت، در اخلاق در انسانیّت، در رأفت و رحم به همه‌ی انسانها و در ضمن طلب یاری دارد، تا معلوم شود چه کسی و چه کسانی بی‌جهت ادعای اسلام و دین‌داری می‌کنند. یکی از وظایف بزرگ در زمان غیبت نشان دادن رحم و عطوفت امام زمان (عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف) به جهانیان است. علیرغم تبلیغات استعمارگران غربی و اروپایی و دیگران، باید علاقه امام به انسانها ترسیم شود و دل‌سوزی آن حضرت برای مردم دنیا تابلو گردد. اصلاً نهضت و قیام آقا برای نجات انسانها است، او منجی بشریت است و برای مردم و سعادت آنها دلسوزی می‌فرماید. چگونه بشر جنگ‌افروز و انسان خون‌خوار و ستمگر می‌تواند منجی بشریّت باشد؟. او سر جنگ با کسی ندارد و جنگ افروز نیست، مگر این‌که مثل واقعه‌ی عاشورا جنگ از طرف دشمن آغاز گردد و دشمن به حریم مهدویّت حمله‌ور شود، نشان دادن این نکته در قیام‌المهدی (عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف) بسیار ضروری است، که عادت امام مانند اجداد طاهرینش احسان و سجیه و روش او کرم و لطف است. در این‌جا به آنها که تمکن مالی دارند می‌گویم اگر توفیق داشته باشید و مالتان به جانتان گره نخورده باشد، با همکاری علماء و اندیشمندان، سریالی بسازید که متخذ از آیات و روایات معتبره و تاریخ صحیح، اهداف حضرت را نشان بدهد و به خصوص رحم و عطوفت آن جناب را برای جهانیان تابلو نماید. مردم اگر زیبایی رفتار حضرت ولی عصر (عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف) را بدانند و رأفت و مهربانی، پاکی و عدالت، دلسوزی و کرامت آن جناب را بشناسند خود مبلّغ مهدویّت می‌شوند. در همین شب‌ها به دو نفر جوان ایرانی برخورد کردم که یکی از این‌ها برای بیان مشکلش نزد بنده آمده. سلام علیکم سلام علیکم و رحمهٔ اللّه آقا می‌خواهم چند دقیقه با شما حرف بزنم بفرمایید من معتقد به ائمّه هستم و برای امام حسین علیه‌السلام خرج می‌کنم حالا به این بزرگواران متوسّل شدم ولی به من جواب رد دادند. از او توضیح خواستم معلوم شد که این آقا به رفیقش بدهکار است و هر دوی این‌ها یعنی

طلب‌کار و بده‌کار متوسّل شده بودند که کارشان حل بشود ولی مشکل باقی مانده بود. آقا آیا این درست است که ائمّه ما را مأیوس کنند. فکر کردم باید وقت زیادی برای این دو جوان صرف کنم، البته آقای طلب‌کار سراغ من نیامد و مثل اینکه از من هم طلبکار بود. به هر حال با جوان بدهکار وعده کردم که نیم ساعت بعد، برای تسکین هر دو صحبت کنم. نیم ساعت بعد جوان بدهکار به‌دنبال من آمد و مرا به منزلش برد. در بین راه سخن از توسلات می‌گفت و بسیار اظهار محبت نسبت به امام حسین علیه‌السلام می‌نمود. به محل کار رسیدیم، آقای طلبکار خیلی خسته و کوفته به نظر می‌رسید، تمام وجودش را یأس و ناامیدی گرفته بود، حال سلام و احوال‌پرسی نداشت، او را به حرف آوردم، معلوم شد مبلغ نسبتاً بزرگی از آن جوان طلب دارد و سخت به این مبلغ احتیاج دارد. او هم در حالی که برای کارش به دعا و توسل دست زده بود و مأیوس شده بود گفت: من به دوستم گفتم معلوم می‌شود ما رانده شده هستیم و ائمّه نمی‌خواهند به ما جواب بدهند. چشمش را اشک گرفته بود با دست اشک را برطرف کرد. گفتم: اولاً جواب دعا و توسل طبق مصالح انجام می‌گیرد، گاهی مشکلات و حل نشدن آنها گوشمالی و تادیب است، گاهی برای بالا رفتن مقام ما می‌باشد. گاهی چون طرف را دوست می‌دارند، جواب را فوری نمی‌دهند می‌خواهند بیشتر توسّل پیدا کند. و شما باید تحمل داشته باشید، مرد آن است که در کشاکش دهر سنگ زیرین آسیا باشد، انسان باید استقامت داشته باشد و از خداوند متعال صبر و استورای بخواهد. به هر حال نباید از امام زمان و ولیّ دوران مأیوس بشوید، باید به توسل بیفزایید، همین سخن گفتن با آقا، خودش مطلوب است، لذت‌بخش است. انسان اگر مشکل پیدا نکند، به خواب غفلت مبتلا می‌شود و از دین و پیشوایان فاصله می‌گیرد. مشکلات انسان را می‌سازد و متوجه خداوند متعال می‌کند. مدتی به این سخنان ادامه دادم دیدم جوان طلب‌کار گریه می‌کند. گفتم: شما الآن یک نماز توسل به امام زمان (عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف) بخوانید و با آقا حرف‌های خود را بزنید. باور کنید هنوز جمله‌ی من تمام نشده بود که این جوان برای وضو گرفتن به سمت آب رفت و بعد از وضو مشغول به نماز امام زمان شد. ببینید، جوان چه مقدار پاک است، استعمارگران و منحرفان از پاکی و صداقت جوانان ما سوء استفاده می‌کنند. به نام ترقی، به نام سعادت و به نام آزادی، جوانان ما را از خدا جدا می‌کنند. ما باید با ایجاد مراکز پُر جاذبه و مراکز پُر محبّت از این جدایی جلوگیری کنیم. باید از محبّت امام زمان (عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف) بگوییم، از قلب رؤوف و دل مهربان آن حضرت سخن برانیم، و خود نیز به مردم و جوانان مهربان باشیم تا بتوانیم در تبلیغ دین و ترویج مهدویت موفق بشویم. فردای آن روز دو جوان مذکور به من تلفن زدند و از سخنان بنده تشکر کردند. ببینید تبلیغ مؤثر است، به خصوص تبلیغ همراه محبت و دلسوزی، این نوع تبلیغ زودتر اثر می‌کند. گذشت آنچه گذشت و سفر ما در عاشورای ۱۴۲۶ ه.ق به پایان رسید، ولی هنوز در سفر اصلی سیر داریم، سفر به سوی یار، آیا به مقصد می‌رسیم یا در بین راه به جادّه‌ی انحرافی و روشنفکرنمائی، صوفی گری و وهابی گری و تقلید بیگانه کشیده می‌شویم. خدا کند ولیِّ پروردگار راه سوء استفاده از اختیار را بر ما مسدود کرده، دریچه علم و معرفت، کمال و هدایت را مفتوح فرماید. سلام بر عاشورا و ظهور مولا مؤلف: سید محمود بحرالعلوم میردامادی

پی نوشت

۱ جمعه / ۹ ۲ اعراف / ۶۹ ۳ آل عمران / ۱۶۴ ۴ بقره / ۳۰ ۵ مدّثر / ۴۳ ۶ بقره/ ۷۳ فرقان / ۴۸،۴۹ ۸ مائده / ۱ ۹ رعد / ۷ ۱۰ انبیاء/ ۱۰۵ ۱۱ بقره / ۶۰ ۱۲ سروده: کوچک. ۱۳ قصص / ۵ ۱۴ نمل / ۶۹ ۱۵ انسان/۳ ۱۶ نساء / ۵۹ ۱۷ دعای ندبه

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که

امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -:

هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹